

\*

( : )

محمد تقی رهنمایی - دانشیار گروه جغرافیای انسانی دانشگاه تهران

رحمت ا... فرهودی - استادیار گروه جغرافیای انسانی دانشگاه تهران

آندریاس دیتمان - استاد گروه جغرافیای دانشگاه گیسن (آلمان)

مصطفی قدمی\*\* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تهران

پذیرش مقاله: ۱۳۸۵/۱۲/۱۶ تایید نهایی: ۱۳۸۶/۸/۳۰

### چکیده

برنامه ریزان گردشگری در زمینه ظرفیت تحمل مقصد معتقدند، جامعه میزبان برای رشد و توسعه گردشگری ظرفیت معینی دارد و رشد فراتر از حد ظرفیت آن، منجر به بروز پیامدهای اجتماعی و زیست محیطی خواهد شد و پس از مدتی کاهش منافع سرمایه گذاری های گردشگری را در پی خواهد داشت. تعیین ظرفیت تحمل حوزه مقصد از دو بعد جامعه میزبان و میهمان (گردشگران) صورت می گیرد. هدف این تحقیق بررسی و تعیین ظرفیت تحمل حوزه گردشگری کلاردشت با تاکید بر بعد جامعه میزبان می باشد. روش تحقیق، پیمایشی (زمینه یابی و اکتشافی)، توصیفی، تحلیلی، مبتنی بر پرسشنامه است. یافته های تحقیق نشان می دهد، از بعد جامعه میزبان حوزه کلاردشت در رابطه با نوع گردشگران خود ظرفیت تحمل متفاوتی دارد. به طوری که با توجه به عملکرد گردشگران خانه دوم، ظرفیت تحمل حوزه به آستانه خود رسیده است اما در رابطه با گردشگران با اقامت حداقل یک شب (گردشگران اقامتی) اشباع آستانه ظرفیت تحمل مورد تایید نمی باشد. همچنین از بعد جامعه میزبان، وضعیت ظرفیت تحمل حوزه کلاردشت، تحت تاثیر نگرش مردم نسبت به نوع گردشگران موثرتر به لحاظ اقتصادی، نوع گردشگران مطلوب به لحاظ عملکردی (میزان تاثیر گذاری بر محیط)، میزان وابستگی اقتصاد حوزه به گردشگری، آینده اقتصادی حوزه تحت تاثیر گردشگری، منافع شخصی افراد از گردشگری و میزان آگاهی و حساسیت مردم نسبت به مسایل محیطی حوزه، می باشد.

واژه‌های کلیدی: ظرفیت تحمل، جامعه میزبان، اثرات گردشگری، کلاردشت

### مقدمه

تا اواخر دهه ۱۹۷۰، گردشگری به عنوان فعالیتی طلایی و بدون دود (آلودگی) معرفی و همواره بر پیامدهای مطلوب و منافع به ویژه منافع اقتصادی آن تاکید می شد (Choi, 2003, 77). از دهه ۱۹۸۰ یافته ها و گزارش های تحقیقی متعدد، پیامدهای زیست محیطی، اجتماعی و فرهنگی نامطلوب گردشگری را مورد تایید قرار دادند. در دهه مذکور پیامدهای زیست محیطی ناشی از گردشگری به تنها دغدغه محققان این حوزه مبدل شد (Butler,

\* مقاله حاضر بر گرفته از رساله دکتری به راهنمایی دکتر محمد تقی رهنمایی در گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تهران می باشد.

(5, 1980). در دهه ۱۹۹۰ در راستای پارادایم توسعه پایدار، رویکردهای سنتی توسعه گردشگری به چالش کشیده و با تأکید همزمان بر پیامدهای مطلوب و نامطلوب گردشگری، حرکت از گردشگری انبوه به سوی رویکرد توسعه پایدار گردشگری آغاز شد (Jurovski, U. & Williams, 1997, 3). رویکرد توسعه پایدار گردشگری، یک جایجایی از رویکردهای سنتی اقتصاد نئوکلاسیک در زمینه توسعه گردشگری، به یک رویکرد کلی‌نگرتر (سیستمی‌تر) را نشان می‌دهد که در این رویکرد، نه تنها نیازهای بازار مورد توجه است بلکه نیازهای جامعه و محیط زیست طبیعی نیز مورد توجه و تأکید قرار می‌گیرد (Hawkes & Williams, 1993, V). بنا به تعریف سازمان جهانی جهانگردی، توسعه پایدار گردشگری، فرآیندی است که با کیفیت زندگی میزبانان، تأمین تقاضای بازدید کنندگان و به‌همان نسبت با حفاظت منابع محیط طبیعی و انسانی در ارتباط است (Hunter & Green, 1995, 22; WTO, 1996).

همچون مفهوم توسعه پایدار، یکی از چالش‌های روبروی افرادی که می‌خواهند تئوری توسعه پایدار و به دنبال آن توسعه پایدار گردشگری را برای اجرا ترجمه کنند، تعیین این بود که چه محدودیتهایی باید اعمال شود؟ چه کسی باید آنرا تضمین کند؟ و آن‌ها در چه سطحی باید تحقق یابند؟ (Friesen, 1997, p22). در ادبیات گردشگری با این چالش از طریق بکار بردن مفهوم ظرفیت تحمل برخورد شد. این مفهوم تازه ای نبود و در تفکرات اولیه رشته‌هایی چون جغرافیا و مدیریت مرتع مطرح شده بود (Baum, 1998, p22). تعیین ظرفیت تحمل مقصد، نیازمند توجه به نگرش‌ها و قضاوت ارزشی ساکنان و گردشگران است. در واقع در برخورد با این مفهوم پیچیده، این یک نوع ارزیابی ذهنی است (Mccool 1994, p22; Wight, 1993, p3) از این رو در تعیین ظرفیت تحمل مقصد گردشگری عموماً از شاخص‌های ذهنی که در واقع منکسر کننده نحوه نگرش و قضاوت‌های ذهنی افراد است، استفاده می‌شود.

در این تحقیق، در راستای رویکرد توسعه پایدار گردشگری، با استناد به شاخص ترکیبی نگرش جامعه میزبان و کاربست شاخص‌های ذهنی مربوط، ضمن بررسی اثرات گردشگری که از طرف جامعه محلی درک شده و نگرش جامعه مذکور نسبت به دو گروه از گردشگران خانه دوم و اقامتی، آستانه ظرفیت تحمل حوزه مقصد کلاردشت مورد بررسی قرار گرفت.

### مبانی نظری تحقیق

در دهه ۱۹۸۰ مفهوم توسعه پایدار با این درک که تدوام بدون محدودیت رشد اقتصادی، اثرات نامطلوب زیست محیطی و اجتماعی در پی خواهد داشت، مطرح شد و الگوهای رشد و توسعه اقتصادی تا آن زمان را به چالش کشاند (Barbour, 1993, 258). به این ترتیب به دنبال گزارش براتلند در سال ۱۹۸۷، توسعه پایدار سفر طولانی‌اش را به سوی تبدیل شدن به یک پارادایم توسعه، در دوره جدید آغاز کرد.

در همین راستا از دهه ۱۹۸۰، به دنبال گزارش‌های متعدد تهیه شده توسط صدها محقق، کارشناس دولتی و دانشگاهی و نهضت طرفداران محیط‌زیست، سرانجام رویکردهای توسعه گردشگری و دولت‌ها به چالش کشیده

شدند و به منظور بازساخت چارچوب سنتی توسعه گردشگری همسو با رویکرد توسعه پایدار به شکلی که الزامات و استانداردهای جدید طرفداران محیط‌زیست و پایداری یک سطح بهینه از منافع اقتصادی اجتماعی را تأمین کند، تحت فشار قرار گرفتند (Choi, 2003, 77) به این شکل از دهه ۱۹۹۰، حرکت از گردشگری انبوه به سوی رویکرد توسعه پایدار گردشگری آغاز شد (Jurowski, Uysal & Williams, 1997, 3) و مفهوم توسعه پایدار وارد ادبیات گردشگری شد.

ریس معتقد است، گردشگری پایدار، نیازمند جلوگیری از تخریب و انحطاط سیستم‌های اجتماعی، فرهنگی و اکولوژیکی جامعه میزبان است و ساکنان بومی باید از آن منافع را کسب کنند. (Rees به نقل از: Gunn, 1994, 25). گردشگری پایدار می‌تواند این‌گونه تعریف شود: "به عنوان یک چارچوب آلترناتیو گردشگری: برای بهبود کیفیت زندگی جامعه میزبان، فراهم کردن کیفیت بالایی از تجربه برای بازدیدکنندگان و حفظ کیفیت محیطی که هم جامعه میزبان و هم بازدیدکننده به آن وابسته است" (Mc Intyre, 1993, 11).

تا کنون در زمینه این که چطور می‌توان توسعه پایدار گردشگری را عملیاتی کرد، پرسش‌های زیادی مطرح شده است (Muller, 1977, 29) در این راستا چندین چارچوب مفهومی مرتبط با موضوع پایداری معرفی شدند و در این بین، مفهوم ظرفیت تحمل بیشترین بحث‌ها را به خود اختصاص داده است (WTO, 1992). این مفهوم در ادبیات گردشگری در قالب چند بُعد مورد توجه بوده است. از بُعد اجتماعی، ظرفیت تحمل، سطحی از رشد گردشگری است که ساکنان محلی عدم تعادل در هزینه‌های غیر قابل قبول اجتماعی توسعه گردشگری را ملاحظه نمایند (D. Amore and Jafari, 1988, 12). از این بُعد، ظرفیت تحمل زمانی به آستانه خود می‌رسد که ساکنان محلی یک حوزه، به خاطر این که گردشگری در حال تخریب محیط، تهدید فرهنگ محلی، در حال ایجاد ازدحام و شلوغی و سایر اثرات نامطلوب است، به افزایش شمار گردشگران تمایلی نداشته باشند (Martin and Uysal 1990, 327). در این رابطه گنس معتقد است تعداد زیاد گردشگران باعث می‌شود تا آن‌ها به نابودی چیزهایی بپردازند که برای دیدنشان آمده بودند (Getz, 1983, 21). به طور کلی ظرفیت تحمل حوزه مقصد عبارت است از: تعداد بازدیدکنندگانی که می‌توانند در یک حوزه مقصد حضور داشته باشند، قبل از این که اثرات منفی آن‌ها بر محیط زیست و بر روی نگرش روانشناختی گردشگران یا روی سطح پذیرش جامعه میزبان نمایان شود (Martin and Uysal, 1990, 327).

مرور ادبیات نشان می‌دهد از جمله شاخص‌های کلیدی در بررسی آستانه ظرفیت تحمل مقاصد گردشگری، نحوه نگرش جامعه میزبان به گردشگری (و اثراتی که آن‌ها درک می‌کنند) می‌باشد (O'Reilly, 1986, 254). از این رو به منظور درک و ارزیابی مداوم عقاید، طرز فکر و تصورات ساکنان و گردشگران نسبت به توسعه گردشگری در حوزه‌های مقصد، عمدتاً از شاخص‌های ذهنی استفاده شده و تلاش‌ها در جهت بسط این نوع شاخص‌ها بوده است. (Ap and Crompton, 1993; Hall 1994; Getz 1994; Haralambopolous and

Pizam 1996; Murphy 1981, 1983; Sheldon and Var 1985; Gursory et al, 2002; Wall, 1983; Lawson et al 1998; Sheldon & Abenoja, 2001, p435; Allen, Long, Perdue & Kiselbach, 1988, p16; Belise and hoy, 1980; Brougham and Butler 1981; Pizam, 1982; Murphy, 1983; O'Reilly, 1986; Liu and Var 1986; Perdue, et al 1987; Liu et al, 1987; Pizam 1987; Long et al, 1990; Martin and Uysal

نسبت به گردشگری چندین روش به عنوان چارچوب تحلیلی وجود دارد که عبارتند از: تئوری مبادله اجتماعی، سیکل توسعه گردشگری و روش بخش بندی می باشد (Hernandez, et al, 1996, 759).

بر اساس تئوری مبادله اجتماعی، ساکنان، گردشگری را بر اساس منافع یا هزینه های حاصله (درک شده) در عوض خدماتی که عرضه می کنند، ارزیابی می کنند. در واقع، این که ساکنان محلی، مجموعه هزینه ها و منافع حاصل از گردشگری را چگونه ارزیابی کنند، بر نحوه نگرش آن ها نسبت به گردشگری تاثیر خواهد گذارد. بر اساس تئوری سیکل توسعه گردشگری، نگرش مردم نسبت به گردشگری ممکن است تحت تاثیر روند تحول و توسعه گردشگری در مقصد قرار گیرد (همان منبع). به این ترتیب ظرفیت تحمل یک حوزه میزبان در تطابق با هریک از مراحل سیکل حیات آن حوزه تغییر می یابد (Kim, 2002, 39). زمانی که گردشگری در مقصد دارای رشد سریع و روزافزون باشد و ظرفیت تحمل اجتماعی به حد نهایی آستانه خود برسد، در نتیجه پس از مدتی با اشباع ظرفیت های حوزه مقصد، عملکرد گردشگری برای ساکنان محلی غیر قابل تحمل می شود (Hernandez et al, 1996, 759). لنکفورد و هاوارد رویکرد بخش بندی را مطرح می کنند (Lankford and Howard, 1994, 121). به این ترتیب کسانی که در راستای نیازهای گردشگران فعالیت می کنند نگرش مثبت تری به گردشگری دارند تا آن هایی که ارتباطی با گردشگران ندارند (Madrigal, 1993, 352).

### روش تحقیق

هدف این مطالعه، بررسی وضعیت ظرفیت تحمل حوزه گردشگری کلاردشت است. در این راستا از شاخص ترکیبی نحوه نگرش جامعه میزبان نسبت به گردشگری، استفاده شده است. نتایج سایر تحقیقات نشان می دهد یکی از عوامل مهم که بر نحوه نگرش جامعه میزبان تاثیر مستقیم می گذارد، اثراتی است که جامعه محلی در نتیجه توسعه گردشگری در حوزه خود درک کرده اند. بر این اساس در این تحقیق، این موضوع نیز مورد بررسی قرار گرفت (جداول ۱ تا ۳). این تحقیق در راستای پاسخ گویی به دو پرسش زیر صورت گرفته است:

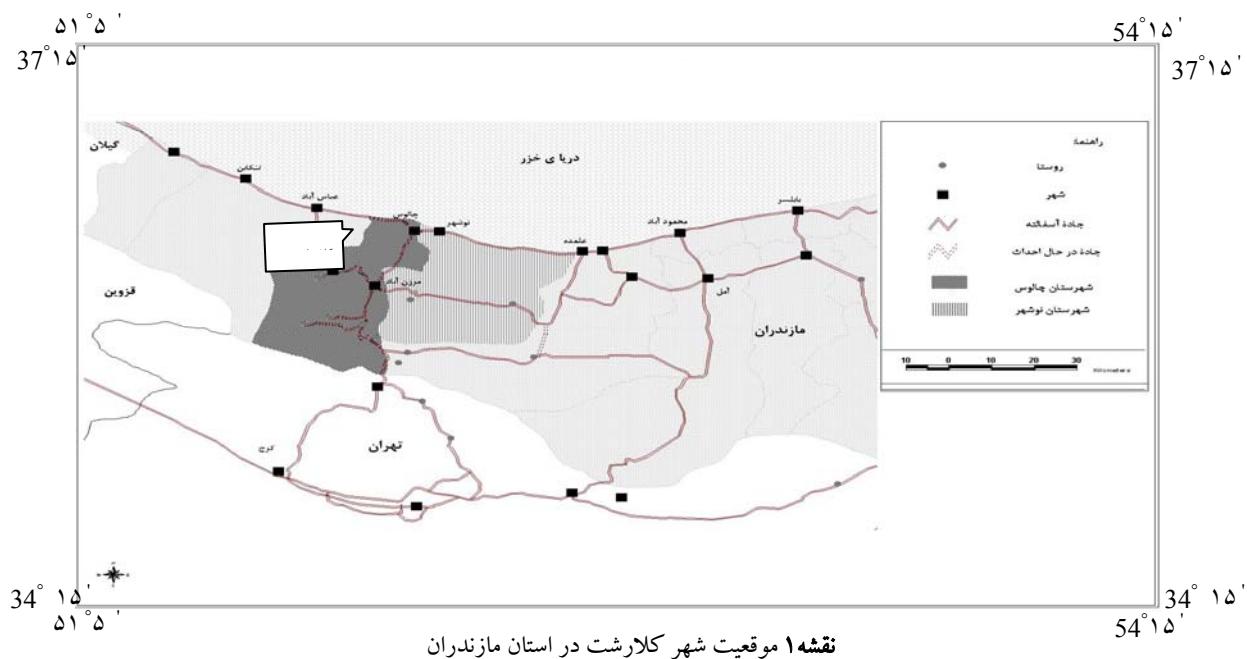
- ۱- از بُعد جامعه میزبان وضعیت فعلی ظرفیت تحمل حوزه گردشگری کلاردشت در چه سطحی است؟
- ۲- آیا در رابطه با عملکرد گونه های متفاوت گردشگری در کلاردشت، تفاوت معنی داری در سطح ظرفیت تحمل حوزه وجود دارد؟

به این منظور کل جامعه آماری به سه گروه متفاوت شامل خانوارهای ساکن معمولی، فعالان بخش اقتصادی (تجاری و خدماتی) و مسئولان بخش عمومی، تقسیم شد. از روش نمونه گیری تصادفی طبقه بندی شده با حجم نمونه ۳۱۴ نفر (با کمک روش کوکران برای تعیین حجم نمونه) با ترکیبی از افراد زن و مرد در طیف سنی ۱۸ سال و بالاتر استفاده شد. پرسشنامه ها حاوی سوالاتی در مورد ویژگی های اجتماعی - جمعیتی افراد (سن، جنس، شغل، تحصیلات و مانند آن)، نگرش افراد نسبت به گردشگری و نحوه حمایت از آن، آثار و پیامدهای درک شده از گردشگری بودند. مجموع سوالات پرسشنامه بر اساس نتایج تحقیقات محققان در سایر

حوزه های گردشگری دنیا جمع آوری شد. پرسشنامه ها از ابتدای مرداد ماه ۱۳۸۵ به مدت سه هفته که مصادف است با اوج جریانات گردشگری در حوزه، در میان جامعه آماری توزیع شد. با توجه به این که نحوه پرسشگری به صورت تحویل پرسشنامه به افراد در نظر گرفته شده بود، از ۳۱۴ پرسشنامه، تنها ۴ مورد قابلیت استناد در تحقیق را نیافتند.

### منطقه مورد مطالعه

قلمرو مکانی این تحقیق شهر کلاردشت در استان مازندران از توابع شهرستان چالوس می باشد. این شهر در سال ۱۳۸۰ در حدود ۱۲۰۰۰ نفر جمعیت داشته است (مرکز بهداشت کلاردشت، ۱۳۸۲). شهر کوهستانی کلاردشت در ارتفاع ۱۲۵۰ متری (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۰، ۲۳۲) و در فاصله ۱۹۱ کیلومتری از شهر تهران قرار گرفته است. شهر مذکور و نقاط روستای اطراف آن به سبب داشتن آب و هوای ییلاقی و چشم اندازهای طبیعی برای ساکنان شهرهای بزرگ و آلوده کشور به ویژه تهران، جاذبه های فراوان دارد. حوزه مذکور از دوران رضا شاه به عنوان مقصد گردشگری مورد توجه قرار گرفته است (مهندسین مشاور امیر شریفی و همکاران، ۱۳۴۶، ۱۸).



شکل گیری جریانات انبوه گردشگری<sup>۱</sup> در این مقصد به اواسط دهه ۱۳۶۰ بر می گردد و تا کنون بر رونق آن دائما افزوده شده است (قدمی، ۱۳۸۳، ۳۸۹). بازارهای گردشگری در این حوزه شامل گردشگران بومی (سالانه نزدیک به یک میلیون نفر) و گردشگران خارجی (سالانه بیش از ۵۰ هزار نفر، عمدتا از کشورهای عربی جنوب خلیج فارس و دریای عمان) می باشد. انگیزه اصلی گردشگران در سفر به این حوزه طبیعت گردی (بهره مندی از

آب و هوا و مناظر طبیعی) می باشد. از این رو گونه گردشگری حوزه، طبیعت گردی<sup>۱</sup> است. علاوه بر این در حوزه کلاردشت، گردشگران خانه دوم نیز وجود دارند که تقریباً همزمان با گردشگران اقامتی<sup>۲</sup> شکل گرفته اند (مهندسین مشاور امیر شریفی و همکاران، ۱۳۴۶، ۱۹).

### یافته های تحقیق

#### الف) یافته های توصیفی

کل جامعه آماری این تحقیق شامل ۷۱ درصد مرد، ۲۹ درصد زن، با طیف سنی از ۱۸ ساله به بالا، ۸۱/۸ درصد متاهل، ۱۸/۲ درصد مجرد، میانگین سنی ۳۹/۱ ساله و میانگین سواد بالاتر از دیپلم می باشد.

#### - اثرات درک شده گردشگری در جامعه میزبان

به منظور سنجش اثرات درک شده از طرف جامعه محلی کلیه سوالات پرسشنامه در قالب طیف لیکرت با امتیاز ۱= کاملاً مخالف تا ۵= کاملاً موافق، طبقه بندی شدند. شاخص‌های مورد بررسی این تحقیق، نتایج و یافته های تحقیقات از سایر مقاصد گردشگری دنیا بویژه هاوایی، یونان، اسپانیا، کانادا و حوزه کارائیب می باشد (جدول ۱ و ۲ و ۳). یافته های حاصل از پرسشنامه نشان می دهند، گردشگری در حوزه کلاردشت در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و محیطی اثرات مثبت و منفی متفاوتی را بر جای گذاشته است. بر این اساس در ابعاد اقتصادی از جمله مهمترین اثرات مثبت گردشگری، ایجاد فرصت‌های شغلی ( $X=4/85$ ) است. در حوزه مذکور دو نوع گردشگران خانه دوم و گردشگران اقامتی هر یک با تقاضای مشابه یا خاص خود، زمینه ساز شکل گیری و رشد مشاغل متنوعی از جمله فعالیت های مربوط به ساخت و ساز<sup>۳</sup> و فعالیت‌های خدماتی و تجاری شده اند. افزایش درآمد سرانه افراد از دیگر اثرات اقتصادی گردشگری در کلاردشت محسوب می شود ( $X=4/42$ ) که تحت تاثیر افزایش تقاضا برای کالا، خدمات، ساخت و ساز و اقامت در واحدهای اقامتی ویلایی عرضه شده از طرف ساکنین محلی، می باشد. از جمله سایر پیامدهای مطلوب اقتصادی گردشگری مورد تایید جامعه محلی در حوزه کلاردشت عبارتند از: متنوع سازی مشاغل ( $X=3/47$ )، کاهش میزان بیکاری ( $X=3/07$ )، وارد کردن سرمایه یا افزایش سرمایه گذاری ها ( $X=4/17$ ).

گردشگری در کلاردشت پیامدهای نامطلوب اقتصادی را نیز در پی داشته است. افزایش هزینه کالا و خدمات ( $X=4/42$ ) بویژه در زمان پیک گردشگری، بر جامعه میزبان تحمیل می شود. همچنین افزایش کاذب قیمت زمین و مسکن ( $X=4/35$ ) اگرچه برای مالکان و دلالان، خوشایند و پر منفعت است اما ساکنان محلی به ویژه جوانان را در تامین زمین و مسکن دچار مشکلات فراوان نموده است. به طور کلی گردشگری باعث

#### 1. Nature Tourism

۳- منظور از گردشگران اقامتی، آن دسته از گردشگرانی است که حداقل یک شب از واحدهای اقامتی حوزه (هتل، ویلای اجاره ای و...) استفاده می کنند.

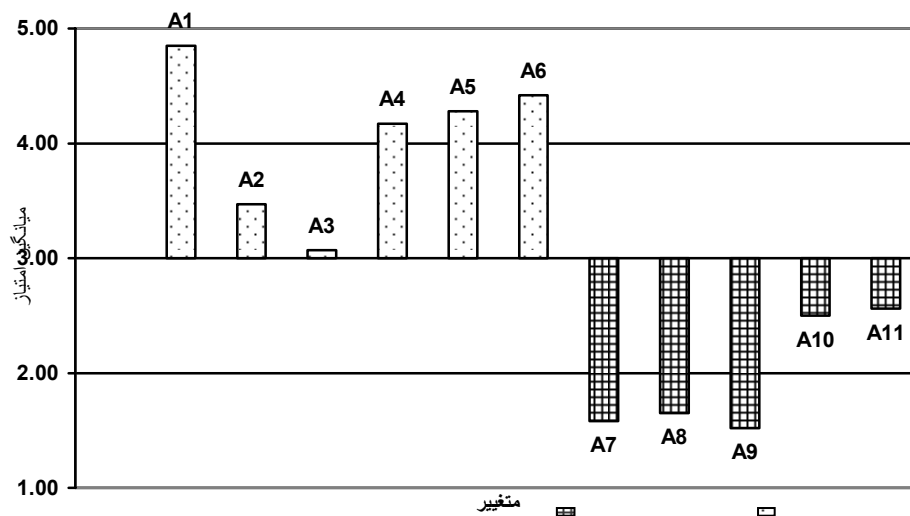
۴- طبق مصاحبه با ۱۰ نفر از کارشناسان امور ساخت و ساز مسکن، هر ویلای احداثی در کلاردشت بیش از ۲۵ نوع شغل متفاوت حداقل بین دو هفته تا ۵ ماه ایجاد می کند.

افزایش هزینه زندگی در کلاردشت شده ( $x=4/48$ ) و این امر می تواند از اثرات افزایشی آن بر درآمد افراد بکاهد. نوسان فصلی درآمد افراد شاغل در فعالیت های مربوط (مستقیم یا غیرمستقیم) به گردشگری ( $x=3/5$ )، تملک بسیاری از فعالیت های کلیدی و سودآور مربوط به گردشگری توسط افراد غیر بومی ( $x=3/4$ ) از دیگر اثرات منفی اقتصادی گردشگری در حوزه کلاردشت محسوب می شوند (جدول ۱). در زمینه اثرات اقتصادی گردشگری که از طرف جامعه محلی درک شده است، در میان سه گروه اجتماعی ساکنین معمولی، فعالان تجاری و خدماتی و مسئولان بخش عمومی، تفاوت معنی داری وجود ندارد. آزمون من ویتنی وجود تفاوت معنی دار (بین گروهی) در این زمینه را تایید نمی کند ( $p>0/05$ ).

جدول ۱ اثرات اقتصادی توسعه گردشگری در شهر کلاردشت

میانگین کل	میانگین ساکنین	میانگین فعالان	میانگین مسئولین	نقش گردشگری در:
				<b>پیامدهای مثبت اقتصادی توسعه گردشگری در حوزه:</b>
3.85	3.91	3.81	3.84	A1 افزایش فرصت های شغلی برای ساکنان
3.47	3.32	3.47	3.63	A2 متنوع سازی مشاغل (انواع زیادی از شغل ها)
3.07	2.97	3.03	3.21	A3 کاهش بیکاری
4.17	4.15	4.25	4.11	A4 ورود سرمایه های کلان به اقتصاد حوزه (از طریق سرمایه گذاری)
4.28	4.21	4.25	4.37	A5 افزایش درآمد ارگان های دولتی (مثل شهرداری و...)
4.42	4.00	4.09	4.26	A6 افزایش سطح درآمد ساکنین
				<b>پیامدهای منفی اقتصادی توسعه گردشگری در حوزه:</b>
4.42	4.35	4.38	4.53	A7 افزایش هزینه بسیاری از کالاها و خدمات
4.35	4.38	4.31	4.37	A8 افزایش قیمت واقعی زمین و مستغلات
4.48	4.44	4.41	4.58	A9 به طور کلی افزایش هزینه زندگی
3.50	3.03	4.63	2.84	A10 نوسان درآمد افراد در طول سال
3.44	3.71	3.88	3.58	A11 تملک فعالیت های مهم و سودآور گردشگری توسط افراد غیر بومی

- نظر پاسخ دهندگان در قالب طیف لیکرت اندازه گیری شده است که در آن امتیاز ۱ = خیلی کم، ۲ = کم، ۳ = تا حدودی، ۴ = زیاد، ۵ = خیلی زیاد، می باشد. امتیازات بالاتر از ۳ نشان دهند تایید اثر می باشد.



شکل ۱ نمودار وضعیت متغیرهای اقتصادی تحت تاثیر گردشگری در حوزه کلاردشت

- ۱- در این نمودار، (شماره) A، متغیر بررسی شده با شماره مربوطه در جدول ۱۰ می باشد.
- ۲- متغیرهایی که در پایین تر از خط نرمال یعنی ۳ قرار گرفته اند، وضعیت نامطلوب (منفی) دارند.
- ۳- به منظور نشان دادن وضعیت متغیرهای بیانگر اثرات منفی که دارای امتیازات مثبت (تایید اثر) می باشند بروی نمودار فوق از معادله روبرو برای معکوس کردن امتیازات استفاده شد.  $y' = y_1 - (f(x) - y_1)$  که به عبارتی می شود:  $y' = 2y_1 - f(x)$

از سوی دیگر، گردشگری در حوزه کلاردشت اثرات اجتماعی و فرهنگی را در پی داشته که می توان آن را در قالب دو گروه پیامدهای مثبت و منفی بررسی کرد. یافته های حاصل از پرسشنامه نشان می دهد جامعه آماری، بر پیامدهای منفی اجتماعی و فرهنگی گردشگری در حوزه تاکید بیشتری دارد. در این زمینه یکی از پیامدها، کاهش میزان انسجام اجتماعی و خانوادگی در جامعه محلی می باشد ( $x=3/5$ ). افزایش نجومی ارزش زمین و ساختمان در کلاردشت تا حدی باعث شکل گیری نوعی حاکمیت پولی بر روابط اجتماعی و خانوادگی شده و در نهایت باعث افزایش نزاع و درگیری میان افراد جامعه و حتی افراد درون خانواده ها شده است ( $x=3/9$ ). پیروی و الگوبرداری ساکنان بویژه جوانان از منش و رفتار گردشگران از دیگر آثار منفی است ( $x=4/1$ ) که کنار زدن و حتی تحقیر بسیاری از ارزش های سنتی حاکم بر جامعه میزبان پیامد آن محسوب می شود. تقاضای نامشروع عده معدودی از گردشگران به نوعی افزایش میزان جرائم و اعمال خلاف قانون در حوزه را سبب شده ( $x=3/9$ ) که این امر نه تنها باعث درگیر شدن بخشی از افراد جامعه محلی در این گونه فعالیت ها شده بلکه باعث ترویج رفتارهای پرخطر در جامعه میزبان به ویژه جوانان شده است. اگرچه گردشگری افزایش درآمد نسبی جامعه محلی را در پی داشته اما سهم برخی از افراد به دلیل فعالیت در بخش سوداگری زمین و مسکن، فروش اراضی و ساختمان های شخصی یا برخی از فعالیت های خدماتی سودآور مربوط به گردشگری (رستوران، کافی شاپ) بسیار بیشتر از سایر افراد جامعه بوده و این امر باعث ایجاد شکاف و اختلاف درآمدی در میان اقشار جامعه کلاردشت شده است ( $x=3/8$ ). ازدحام و شلوغی حوزه در زمان های پیک گردشگری، ( $x=4/4$ ) از جمله مسائلی است که جریان عادی زندگی ساکنان محلی را مختل می کند.



همچنین به دلیل افزایش تقاضا برای استفاده از خدمات زیربنایی مثل آب، برق و تلفن، زیرساخت‌های حوزه با فشار تقاضا مواجه بوده ( $x=3/7$ ) و قطعی آب و برق و عدم آنتن دهی خطوط تلفن همراه از جمله پیامدهای آن به شمار می‌آید. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهند که در حوزه مطالعه شده، گردشگری در بهبود وضع جاده‌ها، خیابان‌ها و خدمات عمومی ( $x=2/8$ )، توسعه امکانات تفریحی ( $x=2/1$ ) و زنده نگه داشتن فرهنگ محلی ( $x=2/0$ )، نقش موثری ایفا نکرده است و در این زمینه عملکرد آن از طرف جامعه محلی ضعیف ارزیابی می‌شود ( $x<3$ ) (جدول ۲).

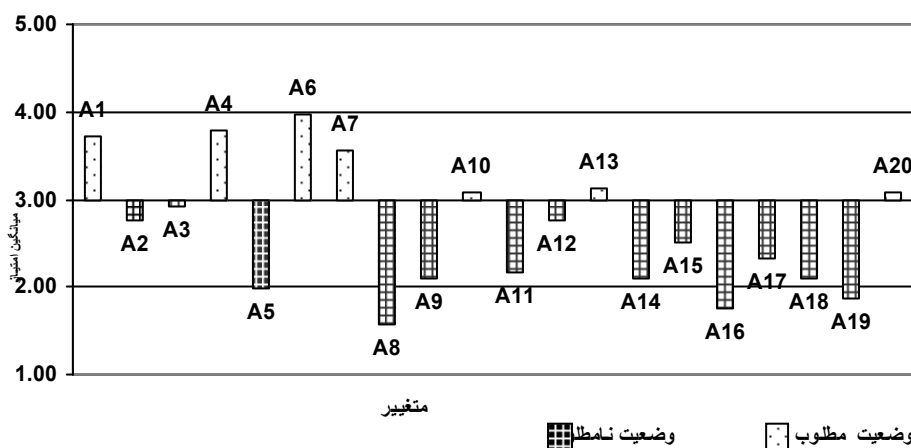
جدول ۲ اثرات اجتماعی و فرهنگی توسعه گردشگری در کلاردشت

میانگین کل	میانگین ساکنین	میانگین فعالان	میانگین مسئولین	نقش گردشگری در:
3.72	3.56	3.72	3.89	A1 ارتقاء سطح استاندارد زندگی جامعه محلی
2.76	2.74	3.13	2.42	A2 بهبود وضع جاده، خیابان و خدمات عمومی
2.91	2.68	3.25	2.79	A3 ایجاد و توسعه امکانات تفریحی بهتر و بیشتر برای جامعه محلی
3.78	3.76	3.91	3.68	A4 افزایش سطح آگاهی و دانش مردم
1.98	2.09	2.16	1.68	A5 زنده نگهداشتن فرهنگ محلی و حفظ هویت فرهنگی مردم حوزه
3.97	3.88	4.13	3.89	A6 شکل دهی یک تجربه ارزشمند ملاقات با گردشگران در زندگی مردم
3.55	3.50	3.78	3.37	A7 تبادل فرهنگی مثبت با گردشگران
4.43	4.18	4.59	4.53	A8 افزایش ازدحام و شلوغی
3.90	4.06	3.75	3.89	A9 افزایش جرائم و فعالیت‌های غیر قانونی
2.92	2.76	3.16	2.84	A10 کاهش کیفیت زندگی جامعه محلی
3.84	3.56	3.91	4.05	A11 افزایش شکاف و اختلاف در آمدی میان اقشار جامعه محلی
3.23	3.35	3.50	2.84	A12 ایجاد ناراحتی و عدم آرامش برای جامعه محلی به خاطر حضور گردشگران در حوزه
2.88	2.71	2.97	2.95	A13 کاهش دسترسی جامعه محلی به امکانات و فضاهای تفریحی (پارک، جنگل و کوه)
3.90	3.79	3.75	4.16	A14 استفاده بیش از فضاها و منابع تفریحی حوزه
3.49	3.15	3.44	3.89	A15 کاهش انسجام و صمیمیت خانوادگی و اجتماعی
4.24	4.26	4.03	4.42	A16 ایجاد مشکلات برای جوانان و نسل آینده حوزه در تامین زمین و مسکن
3.68	3.65	3.38	4.00	A17 افزایش فشار تقاضا بر خدمات و زیرساخت‌ها
3.90	4.15	3.75	3.79	A18 افزایش نزاع خانوادگی و اجتماعی در اثر رونق خرید و فروش زمین و ملک
4.14	4.24	3.91	4.26	A19 الگوبرداری ساکنین از رفتار و منش گردشگران و کنارزدن ارزش‌های سنتی و فرهنگی
2.92	2.94	2.88	2.95	A20 ایجاد مشکلات فرهنگی برای مردم محلی

نظر پاسخ دهندگان در قالب طیف لیکرت اندازه گیری شده است که در آن امتیاز ۱ = خیلی کم، ۲ = کم، ۳ = تا حدودی، ۴ = زیاد، ۵ = خیلی زیاد، می‌باشد. امتیازات بالا تر از ۳ نشان دهنده تایید اثر است.

در حوزه کلاردشت، اثرات گردشگری فقط به پیامدهای اجتماعی و فرهنگی نامطلوب ختم نمی‌شود. افزایش سطح آگاهی و شناخت مردم محلی ( $x=3/8$ ) و آشنایی و تبادل فرهنگی با ساکنین سایر حوزه‌های داخلی و خارجی کشور از جمله اثرات مثبت محسوب می‌شوند ( $x=3/5$ ) که ساکنان محلی آن را یک تجربه ارزشمند در زندگی خود تلقی می‌کنند ( $x=4/0$ ). علاوه بر این گردشگری به عنوان یک محرک اقتصادی

قوی، از طریق جریان سرمایه و افزایش درآمد نسبی ساکنین باعث ارتقاء سطح زندگی جامعه محلی کلاردشت نیز شده است ( $x=3/7$ ) جدول (۲). در زمینه اثرات اجتماعی و فرهنگی گردشگری که از طرف جامعه محلی درک شده است، در میان سه گروه اجتماعی ساکنین معمولی، فعالان تجاری و خدماتی و مسئولان بخش عمومی، تفاوت معنی داری وجود ندارد (آزمون من ویتنی وجود تفاوت معنی دار (بین گروهی) در این زمینه را تایید نمی کند ( $p>0/05$ )).



شکل ۲ نمودار وضعیت متغیرهای اجتماعی و فرهنگی تحت تاثیر گردشگری در حوزه کلاردشت

- ۱- در این نمودار، (شماره) A، متغیر بررسی شده با شماره مربوطه در جدول شماره (۸) می باشد..
  - ۲- متغیرهایی که در پایین تر از خط نرمال یعنی ۳ قرار گرفته اند، وضعیت نامطلوب (منفی) دارند.
  - ۳- به منظور نشان دادن وضعیت متغیرهای بیانگر اثرات منفی که دارای امتیازات مثبت (تایید اثر) می باشند بروی نمودار فوق از معادله روبرو به منظور معکوس کردن امتیازات استفاده شد.  $y' = y_1 - (f(x) - y_1)$  که به عبارتی می شود:  $y = 2y_1 - f(x)$
- پیامدهای محیطی<sup>۱</sup> از جمله دیگر اثرات گردشگری در حوزه کلاردشت می باشد. در حوزه مذکور رابطه میان گردشگری و محیط ماهیتی کاملاً متضاد و خصمانه دارد. به طوری که رشد و توسعه گردشگری باعث تخریب و برهم خوردن نظم و یکپارچگی محیط طبیعی و مصنوع شده است. از اواسط دهه ۱۳۷۰ به بعد با اوج گرفتن جریانات گردشگری و رونق ساخت و ساز خانه دوم، تغییر گسترده کاربری اراضی زراعی و باغات به کاربری های مسکونی ویلایی و یا بایر کردن اراضی کشاورزی و باغات با هدف وارد شدن به سوداگری زمین، به عنوان اولین اثرات نامطلوب محیطی گردشگری بویژه گردشگران خانه دوم در کلاردشت مطرح شد (قدمی، ۱۳۸۴، ۳۸۹). به طوری که وسعت اراضی زراعی از ۵۷۰۰ هکتار در سال ۱۳۷۵ به کمتر از ۱۳۰۰ هکتار در سال ۱۳۸۳ رسید و به همین ترتیب تعداد بهره برداران زراعی از ۱۴۲۵ خانوار در سال ۱۳۷۵ به ۳۲۵ خانوار در سال ۱۳۸۳ کاهش یافت (جهاد کشاورزی شهرستان چالوس، ۱۳۸۵). رشد لجام گسیخته گردشگری در کلاردشت باعث دست اندازی به حریم منابع طبیعی ( $x=4/13$ ) و تخریب مناظر و چشم اندازهای طبیعی حوزه ( $x=4/13$ ) شده است. علاوه بر این افزایش میزان آلودگی صوتی ( $x=3/96$ )، افزایش مصرف آب و کمبود آن ( $x=3/94$ ) در زمان های پیک از دیگر پیامدهای منفی گردشگری محسوب می شود. راه‌بندان و

۱۰- منظور از اثرات محیطی، اثراتی است که در برگیرنده محیط زیست بوده که آن شامل محیط طبیعی و انسان ساخت می باشد.

ترافیک سنگین در سطح خیابان های شهری و جاده های منتهی به حوزه ( $x=4/43$ ) از جمله مسائلی است که نه تنها زندگی روزمره جامعه محلی را مختل می کند بلکه سبب خستگی و ناراحتی گردشگران نیز می شود. به طور کلی با در نظر گرفتن جمیع اثرات، جامعه محلی معتقد است که گردشگری در حوزه کلاردشت افت کیفیت محیطی را در پی داشته است ( $x=3/88$ ) (جدول ۳ و نمودار ۳). در زمینه اثرات محیطی گردشگری که از طرف جامعه محلی درک شده است، در میان سه گروه اجتماعی ساکنین معمولی، فعالان تجاری و خدماتی و مسئولان بخش عمومی، تفاوت معنی داری وجود ندارد (آزمون من ویتنی وجود تفاوت معنی دار (بین گروهی) در این زمینه را تایید نمی کند ( $p>0/05$ )).

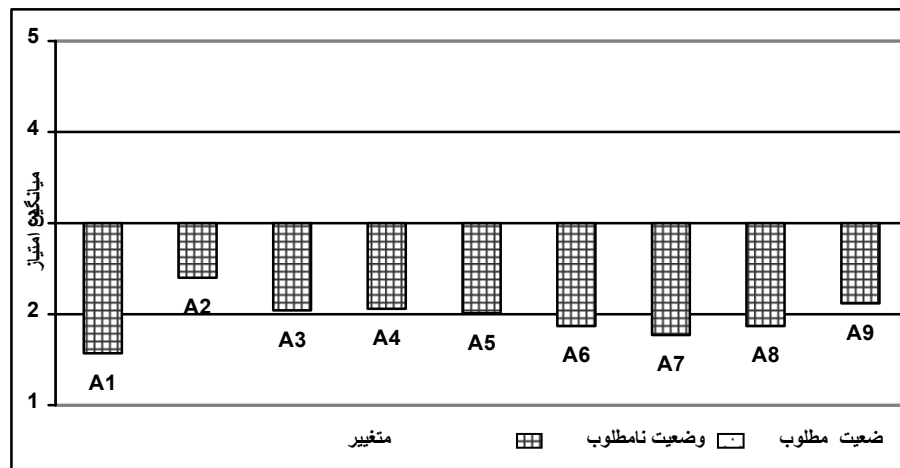
### - نگرش<sup>۱</sup> جامعه میزبان و آستانه ظرفیت تحمل مقصد

نتایج تحقیق نشان می دهد مردم کلاردشت نگرشی مثبت در رابطه با گردشگری و توسعه آن در حوزه دارند. به طوری که ۹۰/۹ درصد جامعه (میانگین ۴/۲۸) از توسعه گردشگری در حوزه حمایت کردند. همچنین ۸۳/۵ درصد مردم موافق تا کاملاً موافق با افزایش تعداد گردشگران حوزه بودند. نگرش ساکنین معمولی نسبت به توسعه گردشگری با ۸۲/۳ درصد (میانگین امتیاز ۴/۲۴)، فعالان بخش های تجاری-خدماتی با ۹۴/۳ درصد، (میانگین امتیاز ۴/۲۸) و مسئولین بخش عمومی با ۹۶/۱ درصد موافق، (میانگین امتیاز ۴/۳۲)، سطح بالای توافق با موضوع را نشان می دهد. همین طور نظر مردم در مورد سطح توافق آن ها با ورود گردشگران بیشتر و توسعه آن ۸۵/۰۷ درصد موافق (با میانگین امتیاز ۳/۹۵) می باشد.

جدول ۳ اثرات محیطی توسعه گردشگری در کلاردشت

میانگین کل	میانگین ساکنین	میانگین فعالان	میانگین مسئولین	نقش گردشگری در:
4.43	4.18	4.59	4.53	A <sup>۱</sup> افزایش میزان ترافیک در سطح شهر
3.60	3.53	4.06	3.21	A <sup>۲</sup> افت کیفیت زندگی مردم در اثر ساخت و ساز بی رویه
3.96	4.15	3.88	3.84	A <sup>۳</sup> ایجاد سر و صدا (آلودگی صوتی)
3.94	3.25	3.87	4.69	A <sup>۴</sup> افزایش میزان آلودگی و کمبود آب
3.99	4.09	3.84	4.05	A <sup>۵</sup> افزایش میزان ساخت و سازهای کنترل نشده و بی رویه
4.13	4.32	4.03	4.05	A <sup>۶</sup> تخریب و دست اندازی به حریم منابع طبیعی
4.23	4.32	3.91	4.47	A <sup>۷</sup> افزایش میزان زباله و مواد زائد
4.13	4.44	3.71	4.24	A <sup>۸</sup> تخریب مناظر و چشم انداز های طبیعی
3.88	3.97	3.88	3.79	A <sup>۹</sup> به طور کلی کاهش کیفیت محیط زیست حوزه
				<b>نظر مردم در رابطه با محیط زیست کلاردشت:</b>
4.68	4.62	4.69	4.74	توسعه دهندگان گردشگری باید تلاش های زیادی برای حفاظت از محیط زیست انجام دهند.
4.75	4.82	4.69	4.74	محیط زیست حوزه باید برای نسل حال و آینده حفاظت شود.
3.67	2.79	3.34	2.89	میزان ساخت و ساز ویلا توسط گردشگران در این حوزه می بایست تحت کنترل در آید.

نظر پاسخ دهندگان در قالب طیف لیکرت اندازه گیری شده است که در آن امتیاز ۱ = خیلی کم، ۲ = کم، ۳ = تا حدودی، ۴ = زیاد، ۵ = خیلی زیاد، می باشد. امتیازات بالاتر از ۳ نشان دهنده تایید اثر است.



شکل ۳ وضعیت متغیرهای محیطی تحت تاثیر عملکرد گردشگری در حوزه کلاردشت

- ۱- در نمودار ۳، (شماره) A، متغیر بررسی شده با شماره ۷ مربوطه در جدول ۷ می باشد.
- ۲- متغیرهایی که در پایین تر از خط نرمال یعنی ۳ قرار گرفته اند، وضعیت نامطلوب (منفی) دارند.
- ۳- به منظور نشان دادن وضعیت متغیرهای بیانگر اثرات منفی که دارای امتیازات مثبت (تایید اثر) می باشند بروی نمودار فوق از معادله روبرو به منظور معکوس کردن امتیازات استفاده شد.  $y' = y_1 - (f(x) - y_1)$  که به عبارتی می شود:  $y' = 2y_1 - f(x)$

در زمینه حمایت مردم از گردشگری و توسعه آن، در میان سه گروه اجتماعی ساکنین معمولی، فعالان تجاری و خدماتی و مسئولان بخش عمومی، تفاوت معنی داری وجود ندارد (آزمون من ویتنی وجود تفاوت معنی دار (بین گروهی) در این زمینه را تایید نمی کند ( $p > 0/05$ )). به رغم نگرش مثبت مردم در رابطه با گردشگری، این موضوع در رابطه با دو نوع از گردشگران اصلی حوزه تفاوت معنی داری را نشان می دهد. نمونه آماری در رابطه با میزان ساخت و ساز خانه دوم در حوزه (توسط گردشگران) و گسترش آن مخالفت داشته اند (۷۲/۶ درصد مخالف، با میانگین امتیاز ۲/۰۳). همچنین ۶۸ درصد جامعه، مخالف تغییر کاربری اراضی زراعی و باغات به کاربری مسکونی (ویلايي) بودند. اما در رابطه با افزایش میزان گردشگران اقامتی در حوزه با میانگین امتیاز ۴/۲، ۸۳/۵ درصد توافق داشته اند. با استفاده از آزمون ویلکا کسون، وجود تفاوت معنی دار در نحوه نگرش مردم نسبت به گونه های اصلی گردشگری حوزه تایید شد ( $P = /004$ ).

یافته های فوق نشان می دهد که اگرچه نگرش کلی جامعه محلی کلاردشت به گردشگری و توسعه آن، نگرش مثبتی است اما از این بعد، آستانه ظرفیت تحمل حوزه در رابطه با نوع گردشگران (اقامتی و خانه دوم)، وضعیت متفاوتی دارد. به طوری که حوزه کلاردشت در رابطه با گردشگران خانه دوم به آستانه ظرفیت تحمل خود رسیده و نگرش مردم در این زمینه منفی است ( $x = 2/03$ )، ولی در مورد گردشگران اقامتی با توجه به نگرش مثبت جامعه محلی ( $x = 4/2$ ، ۸۳/۵ درصد توافق) و مطلوبیت آن از طرف مردم، هنوز اشباع ظرفیت تحمل حوزه، مورد تایید نمی باشد.

**– متغیرهای موثر بر نحوه نگرش جامعه میزبان**

به منظور روشن شدن برخی از ابعاد نحوه نگرش مردم به گردشگری در کلاردشت و عواملی که احتمالاً بر نحوه نگرش آن‌ها تاثیر می‌گذارند، علاوه بر شاخص‌های مربوط به اثرات درک شده گردشگری از طرف جامعه محلی، متغیرهای بیشتری مورد بررسی قرار گرفت (جدول ۴).

**جدول ۴** متغیرهای موثر بر نحوه نگرش جامعه میزبان نسبت به گردشگری در کلاردشت

ردیف	متغیر	نتایج
۱	نوع گردشگران مطلوب (به لحاظ اثرگذاری بر محیط) از نظر میزبان	گردشگر اقامتی، ۷۵/۷ درصد، خانه دوم ۱۹/۱ درصد، بازدید کننده بدون اقامت ۵/۱ درصد توافق.
۲	میزان وابستگی حوزه به فعالیت‌های گردشگری از نظر میزبان	۷۹/۱ درصد پاسخ‌ها، زیاد تا خیلی زیاد، ۲۰/۹ درصد تا حدودی.
۳	نگرش نسبت به آینده اقتصادی حوزه، تحت تاثیر گردشگری	۷۲/۵ درصد پاسخ‌ها، بهتر تا خیلی بهتر خواهد شد
۴	نگرش نسبت به نوع گردشگر موثر تر به لحاظ اقتصادی در حوزه	گردشگر اقامتی ۷۸/۵ درصد، خانه دوم ۲۰/۴ درصد، بازدید کننده بدون اقامت ۱ درصد توافق.
۵	نگرش نسبت به مسایل محیطی حوزه و حساسیت به آن	تایید اثرات منفی گردشگری بر ابعاد محیطی حوزه با میانگین امتیاز ۴/۰۳

منبع: نگارنده

نگرش جامعه میزبان نسبت به نوع گردشگران مطلوب (به لحاظ عملکردی یا اثرگذاری بر محیط) نشان می‌دهد که ۷۵/۷ درصد مردم، گردشگران اقامتی، را مطلوب دانسته‌اند. در رابطه با پرسش میزان وابستگی حوزه کلاردشت به فعالیت‌های گردشگری تا چه حد است؟، ۷۹/۱ درصد پاسخ دهندگان ( $x=۴/۴۷$ ) با انتخاب گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد معتقدند که حوزه کلاردشت به فعالیت‌های گردشگری وابستگی زیادی دارد. با فرض این که نحوه نگرش جامعه کلاردشت به گردشگری می‌تواند تا حدی به نحوه نگرش آن‌ها نسبت به آینده اقتصادی حوزه تحت تاثیر گردشگری وابسته باشد، پرسش مربوط مطرح شد. در این راستا، ۷۲/۵ درصد پاسخ دهندگان ( $x=۳/۶۴$ ) معتقد بودند که آینده اقتصادی حوزه کلاردشت تحت تاثیر گردشگری بهتر و حتی خیلی بهتر خواهد شد.

از کل جامعه آماری در پاسخ به سوال "به نظر شما نوع گردشگر موثر تر به لحاظ اقتصادی در حوزه کلاردشت کدام است؟" ۷۸/۵ درصد معتقد بودند که گردشگران اقامتی از نظر اقتصادی موثرتر از سایر انواع گردشگران می‌باشند. در ادامه تحقیق، نگرش مردم نسبت به مسایل محیطی حوزه کلاردشت مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد، جامعه مورد مطالعه نسبت به مسائل محیطی حوزه خود حساس بوده و اثرگذاری منفی گردشگری بر ابعاد محیطی را تایید کرده‌اند ( $x=۴/۰۳$ ). به نظر می‌رسد با توجه به تاثیرگذاری عمیق ساخت و ساز بی رویه خانه‌های دوم بر محیط و چشم اندازهای طبیعی حوزه، نگرش مردم نسبت به گروه گردشگران خانه دوم بدبینانه تر باشد و بر این اساس از نظر مردم، گردشگر خانه دوم، گردشگر مطلوب محسوب نمی‌شود (جدول ۴).

با استفاده از آزمون آماری مان ویتنی، نحوه نگرش مردم نسبت به مسائل محیطی حوزه کلاردشت در قالب سه گروه اجتماعی، مسئولین، فعالان بخش خدماتی و تجاری و ساکنین معمولی، مورد آزمون قرار گرفت و نتیجه آن تفاوت معنی دار در این زمینه را تایید نکرد ( $P=0/8$ ).

#### ب) یافته های تحلیلی

با طرح این پرسش که آیا میان نگرش مردم در مورد میزان وابستگی اقتصادی حوزه مورد مطالعه به گردشگری و میزان حمایت آن‌ها از گردشگری رابطه معنی داری وجود دارد؟ در یافته های فوق، جامعه کلاردشت، وابستگی اقتصاد شهر و حوزه پیرامون آن به گردشگری تایید شده است ( $x=4/47$ ,  $\rho=79/1$  درصد جامعه توافق)، آزمون رواسپیرمن وجود همبستگی معنی دار مثبت میان دو متغیر مذکور را تایید می کند ( $P=0/003$ ,  $\rho = 0/264$ ). این نشان می دهد که گردشگری نقش مهمی در اقتصاد حوزه کلاردشت بازی می کند و به نوعی وابستگی اقتصادی به گردشگری و درک آن از طرف مردم محلی یکی از عوامل کلیدی نگرش مثبت و حمایت مردم از آن می باشد.

در این که آیا میان نوع گردشگر موثرتر به لحاظ اقتصادی و نوع گردشگر مطلوب از نظر مردم رابطه معنی داری وجود دارد؟ با توجه به اسمی بودن داده های مربوط و استفاده از درصد پاسخ دهندگان، از آزمون کای اسکوئر (وجود همبستگی) و ضریب کرامر (میزان شدت همبستگی) استفاده شد. نتایج این دو آزمون نشان می دهد، میان این دو متغیر همبستگی بالایی وجود دارد ( $x^2=63/6$ ,  $p<0/05$ ,  $V^2=0/56$ ).

برای پاسخگویی به این سؤال که آیا میان حمایت مردم از گردشگری و نگرش شان در مورد آینده اقتصادی حوزه تحت تاثیر گردشگری رابطه معنی داری وجود دارد؟ با استفاده از رو اسپیرمن مشخص شد که میان دو متغیر حمایت مردم از گردشگری و نگرش آنان نسبت به آینده اقتصادی حوزه تحت تاثیر گردشگری همبستگی معنی داری وجود دارد ( $P<0/05$ ,  $\rho=0/282$ ).

اینکه چرا در زمینه حمایت جامعه محلی از گردشگری و توسعه آن در حوزه کلاردشت، در میان سه گروه اجتماعی مسئولان، فعالان بخش خدماتی - تجاری و ساکنین معمولی تفاوت معنی داری وجود ندارد؟ یافته های محققان در سایر مناطق دنیا نشان می دهد که در حوزه های مقصد، کسانی که از نظر اقتصادی به گردشگری وابسته اند یا از آن متنفع می شوند، نسبت به سایر افراد نگرش مثبت تری در رابطه با گردشگری و توسعه آن دارند (Murphy, 1983, p9; Haralambopolous and Pizam, 1996, p 503; Pizam, 1987, 8). طبق اطلاعات حاصله از جامعه آماری این تحقیق، مسئولین حوزه، گردشگری را اهرمی برای تحقق توسعه منطقه ای به حساب می آورند، ۸۷/۵ درصد فعالان بخش تجاری و خدماتی رونق اقتصادی فعالیت خود را به گردشگری وابسته می دانند و ۷۴/۸ درصد از ساکنین معمولی، به گردشگران اقامتی منزل شخصی خود (ویلا) را اجاره می دهند و از این بابت در کنار شغل اصلی خود کسب درآمد می کنند. با توجه به متنفع شدن هر سه گروه اجتماعی در حوزه مورد مطالعه از گردشگری، دلیل عدم وجود تفاوت معنی دار در نگرش شان به گردشگری تا حد زیادی روشن می شود.

جدول ۵ نتایج آنالیز روابط میان متغیرهای موثر بر نحوه نگرش جامعه میزبان (کلاردشت)

ردیف	متغیر مستقل	متغیر وابسته	نوع آمار آزمون	نتیجه
۱	نگرش جامعه در مورد میزان وابستگی اقتصادی	میزان حمایت جامعه از گردشگری	رواسپیرمن	همبستگی معنی دار مثبت (P=0/003, rho = 0/264)
۲	نگرش جامعه نسبت به نوع گردشگر موثرتر به لحاظ اقتصادی	نگرش جامعه نسبت به نوع گردشگر مطلوب به لحاظ عملکردی	کای اسکوئر و ضریب کرامر (داده های اسمی)	وجود همبستگی (x <sup>2</sup> = 63/6, p<0/05) میزان همبستگی بالا (V <sup>2</sup> = 0/56)
۳	نگرش در مورد آینده اقتصادی حوزه تحت تاثیر گردشگری	میزان حمایت جامعه از گردشگری	رواسپیرمن	همبستگی معنی دار مثبت (P<0/05, rho= 0/282)

منبع: نگارنده

### بحث و نتیجه گیری

یافته های این تحقیق نشان می دهد که گردشگری در حوزه کلاردشت پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و محیطی متعددی را در پی داشته است. اگرچه تاثیر مثبت گردشگری بروی برخی از متغیرهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در حوزه مورد تایید است، اما وخیم تر شدن وضعیت بسیاری از متغیرها به ویژه متغیرهای اجتماعی، فرهنگی و محیطی را در پی داشته و بر متغیرهای مذکور اثرات منفی عمیقی ( $x < 3$ ) را بر جای گذارده است. ماهیت اثرگذاری گردشگری بر تمام متغیرهای محیطی حوزه کلاردشت منفی است و ۷۶ درصد متغیرهای اجتماعی و فرهنگی حوزه تحت تاثیر گردشگری وضعیت نامطلوبی پیدا کرده اند.

نتایج این مطالعه نشان می دهد ظرفیت تحمل حوزه گردشگری کلاردشت بر اساس بعد جامعه میزبان و با توجه به نوع گردشگران اصلی حوزه یعنی گردشگران خانه دوم (خانه دوم) و گردشگران اقامتی، وضعیت متفاوتی دارد. به طوری که در رابطه با گردشگران خانه دوم، ظرفیت تحمل حوزه به آستانه خود رسیده و جامعه محلی با توجه به اثرات و عملکرد این نوع از گردشگران، نسبت به آن نگرش منفی داشته و از توسعه این نوع از گردشگری در کلاردشت حمایت نمی کنند. در مقابل آن، در رابطه با گردشگران اقامتی با توجه به نگرش مثبت جامعه محلی و مطلوبیت آن، هنوز اشباع ظرفیت تحمل حوزه کلاردشت تایید نشده است. نگرش جامعه محلی کلاردشت نسبت به گردشگری و توسعه آن بر اساس آگاهی از مجموعه ای از اثرات مطلوب و نامطلوب محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر یک از انواع گردشگران، شکل گرفته است. در این راستا مطابق تئوری مبادله اجتماعی، نگرش جامعه محلی تحت تاثیر قضاوتی است که آن ها از جمع هزینه و فایده (اثرات مطلوب و نامطلوب) درک شده و مورد انتظار از گردشگری صورت می دهند. مطابق مدل سیکل حیات باتلر، نگرش جامعه محلی در تطابق با مراحل توسعه گردشگری دچار تغییر شده است. به طوری که ساکنان محلی کلاردشت با توجه به توسعه خانه های دوم، به ویژه در سال های اخیر، نگرش شان در حال منفی شدن است. همچنین با توجه به رویکرد بخشی، در این تحقیق، از آنجا که کل جامعه آماری حوزه (سه گروه اجتماعی متفاوت) به نوعی از توسعه گردشگری منتفع می شوند، نگرش شان مثبت است و از آن حمایت می کنند. نتایج این تحقیق با ترکیبی از

چارچوب‌های تحلیلی مبادله اجتماعی، سیکل توسعه و بخش بندی، نشان می‌دهد با توجه به بُعد جامعه محلی کلاردشت، وضعیت متفاوت ظرفیت تحمل حوزه در رابطه با نوع گردشگران، تحت تاثیر نحوه نگرش جامعه میزبان نسبت به نوع گردشگران مطلوب تر (از نظر عملکرد و اثر گذاری بر محیط)، نوع گردشگران موثرتر به لحاظ اقتصادی، میزان وابستگی اقتصادی حوزه به گردشگری، آینده اقتصادی حوزه تحت تاثیر گردشگری، مسائل محیطی حوزه و حساسیت مردم نسبت به آن و منافع شخصی افراد از نوع گردشگران می‌باشد.

## منابع

- جهاد کشاورزی شهرستان چالوس، ۱۳۸۵، خلاصه گزارش آماری کشاورزی.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۰، فرهنگ جغرافیایی آبادی های کشور.
- قدمی، مصطفی، ۱۳۸۴، نقش گردشگری در تغییرات کاربری زمین شهری (نمونه مورد مطالعه شهر کلاردشت)، همایش نقش صنعت گردشگری در توسعه ی مازندران، دانشگاه مازندران، نشر رسانه، صص ۳۸۲-۳۹۰.
- مرکز بهداشت کلاردشت، ۱۳۸۲، گزارش جمعیتی محلات شهری و روستاهای بخش کلاردشت.
- مهندسین مشاور امیر شریفی و همکاران، ۱۳۴۶، طرح جامع گردشگری کلاردشت (مرحله اول)، سازمان برنامه.
- Ap, J., and J. L. Crompton, 1993, Residents' Strategies for Responding to Tourism Impacts, Journal of Travel Research 32 (1) pp 120-131
- Barbour, J, 1993, Ethics in an age of technology, San Francisco: Harper Collines.
- Baum, Tom, 1998, The Fascination Of Islands: A Tourist Perspective, University Of Buckingham, The North Atlantic Islands Programmer Of The Institute Of Island Studies At The University Of Prince Edward Island 4
- Belisle, Francois j. and Don R. Hoy, 1980, The Perceived Impact of Tourism by Residents: A Case Study in santa marta, California, Annals of Tourism Research, Vol 7(1)pp 83-101.
- Brougham, j. E., and R.W. Butler, 1981, A Segmentation analysis of Resident Attitudes to the Social Impact of Tourism, Annals of Tourism Research, Vol 7
- D. Amore, Laouis & Jafar, Jafari, 1988, Tourism- A vital Force for peace. Montreal: First Global Conference.
- Friesen, s. Susan; 1997, Sustainable Tourism Development; A master's Degree Project, the university of Calgary, Faculty of Environmental Design (planning)
- Getz, D. 1994; Resident Attitudes towards Tourism: A longitudinal Survey in Spay Valley, Scotland. Tourism Management 15
- Getz, D, 1983, Capacity to Absorb Tourism Concepts and Implications for Strategic Planning, Annals of Tourism Research, 7, pp21-29
- Gunn, C. A, 1994, Tourism planning: Basics, concepts, cases, 3<sup>rd</sup> ed. Washington DC: Taylor & Frances.
- Gursory, Dogan, C. Jurowski and M. Uysal, 2002, Resident Attitudes A Structural Modeling Aproach, Annals of Tourism Research, Vol 20, No1.
- Hall, C. M. & lew, A. A, 1998, the geography of sustainable tourism development: introduction. In C. M. Hall & A. A. lew (Eds), sustainable tourism: geographical perspectives (pp. 1-24). New York: Addison Wesley Longman Ltd.
- Hall, C. M, 1994: Tourism and politics: policy, Power and Place. Chi Chester: Wiley.
- Haralambopoulos, Nicholas and A. Pizam, 1996, Perceived Impacts of Tourism the case of Samos, Annals of Tourism Research, Vol 23, No3 pp 501-521.
- Hawkes, S., & Williams, P, 1993, From principles to practice: A casebook of best environmental practice in tourism. Burnaby, BC: Centre for Tourism policy
- Hernandez, Sigfredo A., J. Cohen and H. L. Garcia, 1996; Resident Attitudes towards An Instant Resort Enclave, Annals of Tourism Research, Vol 23 No4



- Hunter, C, 1997, Sustainable tourism as an adaptive paradigm. *Annals of tourism Research*, 24(4), pp850 – 867.
- Hunter, C, & H. Green, 1995, *Tourism and the environment: A sustainable relationship?* London and New York:
- Kim, Kyungmi, 2002; the effect of Tourism Impacts upon Quality of Life of Residents in The Community, the Faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University, Dissertation for Degree of Doctor of Philosophy.
- Lankford, S. V, and D. R. Howard, 1994; Developing a Tourism Impacts Attitude Scale, *Annals of Tourism Research*, Vol 21
- Lawson, R. W, J. Williams, T. Young, and J. Cossens, 1998; A Comparison of Residents' Attitudes Towards Tourism in 10 Newzealand Destinations, *Tourism Management* 19(3).
- Lindberg, K., S, McCool and Stankey, 1997, Rethinking Carrying Capacity. *Annals of Tourism Research* 24(2) pp 461-465
- Liu, Juanita c. and Turgut Var, 1986; Resident Attitudes towards Tourism Impacts in Hawaii, *Annals of Tourism Research*, Vol 13
- Liu, Juanita c., J. Sheldon and T. Var, 1987; Resident Perception of the Environmental Impacts, *Annals of Tourism Research*, Vol 14
- Long, P. T., R.R. Perdue and L. Allen, 1990, Rural Resident tourism Perceptions and Attitudes by Community Level of Tourism, *Journal of Travel research*, 28(3)
- Madrigal, R, 1993; A Tale of Tourism in Two Cities, *Annals of Tourism Research*, Vol20
- Martin, B. S. and Uysal, M, 1990, examination of the relationship between carrying capacity and the tourism lifecycles: Management and policy implications. *Journal of Environmental Management*, 31,
- Mccool, S. F., and S. R. Martin, 1994; Community Attachment and Attitudes Toward Tourism development, *Journal of Travel Research* 32 pp.29-34.
- McCool, S. F, 1995, Linking tourism the environmental, and concepts of sustainability: setting the stage. In S. F. McCool, & A. E. Watson (Eds), comps. *Linking tourism, the environment at, and sustainability*. Gen. Tech. Rep. INNNT – GTR – 323. Ogden, UT: USDA, Forest service, intermountain Research
- MCGehee. N.G and K. L. Andereck, 2004; Factors Predicting rural Residents' Support of Tourism, *Journal of Travel research*, ol 43
- Mowforth, A. & Munt, I., 1998. *Tourism & sustainability: New tourism in the third world*. London: Rutledge.
- Murphy, P.E. 1981; Community Attitudes to Tourism a Comparative Analysis, *Tourism Management* 2.
- Murphy, P. E, 1983; Perceptions and Attitudes of Decision Making Groups in Tourism Centers, *Journal of Travel Research*, 21(3)
- O'Reilly, A. M, 1986, Tourism Carrying Capacity Concept and Issues, *Tourism Management*, 7, 4
- Perdue, R. R, P. T. Long, and L. Allen, 1987; Rural Resident Tourism Perceptions and Attitudes. *Annals of Tourism Research*, Vol 14. pp 420-429
- Pizam, A, 1982; Tourism and Crime: Is there a Relationship? *Journal of Travel Research* 20(3)
- Pizam, A, 1987; Tourism's Impacts: The Social Costs to the Destination Community as Perceived by its Residents, *Journal of Travel Research*, 16(4) p8-12
- Sheldon, P. J., & Abenoja, T, 2001, Resident attitudes in a mature destination: the case of Waikiki. *Tourism management*, 22 (5), pp435-443.
- Sheldon, P. and Turgut Var, 1985, Tourism Forecasting: State-of-the-Art, *Journal of Forecasting* vol 4. pp 40 -47
- Wall, G, 1983; Cycles and Capacity: A Contradiction Terms? *Annals of Tourism Research*, Vol 10
- Wight, P. 1993, Ecotourism: Ethics or eco – sell? *Journal of travel research*, 31 (3), pp3- 9
- World tourism organization (WTO), 1993, *Sustainable tourism development: Guide for local planners*. Madrid: world Tourism Organization.
- World tourism organization (WTO), 1996, *A practical guide to the development & use of indicators of sustainable tourism*, 2nd ed. Madrid: WTO